

حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه

مقاله ۲، دوره ۱۹، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۳۸-۷۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده

مهدی فیروزی

چکیده

یکی از اصول مهم و بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی، به ویژه فقه امامیه، اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه است که بر اساس آن، هدف قرار دادن غیرنظامیان ممنوع گردیده است.

یکی از گروه‌هایی که با هدف کمک به مجروحان و بیماران در مخاصمات مسلحانه حضور می‌یابند، کارکنان پزشکی هستند. سؤالی که این مقاله در پی پاسخ به آن است، این است که قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه و فقه امامیه، از کارکنان پزشکی برای انجام وظایفشان در برابر اقدامات متخاصمان در مناقشات مسلحانه، چه حمایتی می‌کنند و مبنای این حمایت چیست؟

فرضیه مقاله بر آن است که قواعد حقوق بشردوستانه و فقه امامیه از کارکنان پزشکی برای انجام وظایفشان حمایت می‌کنند و مبنای این حمایت، اصول و قواعد فقهی و حقوقی همچون «اصل تفکیک» و «قاعده نفی اعتدا» می‌باشد.

برای پاسخ به سؤال فوق و اثبات فرضیه، این مقاله در دو گفتار تنظیم شده است. در گفتار اول، به تحلیل مفاهیم مرتبط و اهمیت و تاریخچه بحث پرداخته خواهد شد. در گفتار دوم، مبانی فقهی و حقوقی حمایت از کارکنان پزشکی بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها

حقوق بشردوستانه؛ فقه امامیه؛ مخاصمات مسلحانه؛ کارکنان پزشکی؛ اصل تفکیک؛ قاعده نفی اعتدا

اصل مقاله

مقدمه

هرچند بر اساس قواعد بین‌المللی، توسل به زور برای حل و فصل اختلافات ممنوع است، متأسفانه توسل به زور و بروز جنگ، واقعیتی انکارناپذیر است که همیشه با ایراد خسارات جانی و مالی فراوان همراه است. به همین دلیل، در طول تاریخ، کوشش‌های فراوانی به عمل آمده تا اگر نمی‌توان از وقوع جنگ جلوگیری کرد، دست کم با وضع قواعد و مقرراتی، از آثار و پیامدهای ناگوار آن کاسته شود و اقدامات غیرانسانی در جنگ‌ها محدود گردد. پیدایش حقوق بشردوستانه به عنوان بخشی از حقوق جنگ و حقوق مناصمات مسلحانه - که هدف آن تخفیف آلام و درد و رنج ناشی از مناصمات مسلحانه است - با همین هدف صورت گرفته است.

مهم‌ترین قواعد حقوق بشردوستانه که به منظور «انسانی کردن» مناصمات مسلحانه تدوین شده، اغلب در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ و همچنین دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷، تبلور یافته است. کنوانسیون اول ژنو، برای بهبود وضعیت بیماران نیروهای مسلح در صحنه نبرد، کنوانسیون دوم ژنو برای بهبود وضعیت مجروحان و اعضای کشتی شکسته نیروهای مسلح دریایی، کنوانسیون سوم ژنو در خصوص نحوه رفتار با اسرای جنگ، و در نهایت کنوانسیون چهارم ژنو برای حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ است. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در خصوص حمایت از قربانیان مناصمات مسلحانه بین‌المللی است و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو به حمایت از قربانیان مناصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مربوط است.

یکی از گروه‌هایی که در این اسناد، حمایت خاصی از آنها شده، کارکنان پزشکی هستند. حمایت خاص و ویژه اسناد بین‌المللی از این گروه، بدان دلیل است که این افراد در مناصمات مسلحانه به حمایت و کمک گروه دیگری از افراد که مجروحان و بیماران هستند، اقدام می‌نمایند؛ بنابراین از این جهت، حمایت از کارکنان پزشکی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

تهیه و تصویب این اسناد حمایتی را - که به کاهش درد و رنج اشخاص مورد حمایت، به ویژه مجروحان و بیماران و به تبع آن کارکنان پزشکی منجر می‌گردد - باید موفقیتی بزرگ برای بشر معاصر دانست.

ملاحظه و دقت در مفاد این اسناد، این نکته را متوجه انسان می‌کند که قواعد تدوین‌شده به عنوان حقوق بشردوستانه، ریشه در تعالیم انبیای الهی به ویژه آموزه‌های آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد(ص) دارد. رفتاری که پیامبر اسلام(ص) و پس از ایشان، برخی از امامان معصوم(ع)، به ویژه امیرالمؤمنین(ع)، با اشخاص درگیر در مناصمات مسلحانه در چهارده قرن پیش داشته‌اند و گزارش آن در منابع تاریخی، روایی و فقهی آمده، گواه این مسأله است. وجود قواعد حقوق بشردوستانه در آموزه‌های اسلامی، به ویژه در آیات و روایات و نیز مباحث فراوان فقهی که در طول قرن‌ها توسط دانشمندان و فقهای بزرگ مسلمان و به ویژه فقهای امامیه در قالب «فقه الجهاد» و «کتاب الجهاد»، در زمره احکام و قواعد امره دینی بیان شده، می‌تواند به انسانی‌تر کردن هر چه بیش‌تر مناصمات

مسلحانه کمک نماید. در این میان، وجود و بروز مسائل جدید و نوپیدا در این عرصه، در کنار اجتهاد مستمر فقهای بزرگ، باعث توسعه و تکامل قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی، متناسب با نیازها و مقتضیات زمان شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، هر زمان مسأله جدیدی در مباحث حقوقی، از جمله حقوق بشردوستانه پدید آمده، فقه پویا و بالنده امامیه توانسته است با توجه به قواعد کلی و اساسی دین و ضمن حفظ اصول بنیادین خود، پاسخی در خور و به روز ارائه دهد.

در موضوع مورد بحث (حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه) با عنوان خاص کارکنان پزشکی، بحثی در آموزه‌های اسلامی وجود ندارد. شاید دلیل این امر، وضعیت متفاوت جنگ‌های صدر اسلام با مخاصمات مسلحانه امروزی باشد. اما با این حال، برخی از گروه‌های غیررزمنده همچون زنان، کودکان، پیران و... به صراحت در آموزه‌های اسلامی و کلمات فقها، حمایت شده‌اند که در مورد کارکنان پزشکی نیز، با استفاده از آیات و روایات و قواعد فقهی، می‌توان حمایت از آنان را اثبات نمود.

ذکر این نکته ضروری است که این مقاله بر مفروضاتی استوار است؛ از جمله این‌که ملاک و معیار جنگ و جهاد با کافران، کفر آنان نیست، بلکه محارب بودن آنان است؛ بنابراین، مسلمانان نباید با کفاری که سر جنگ و ستیز با مسلمانان ندارند، رفتاری خصمانه داشته باشند. دیگر این‌که، عموم ادله جنگ و جهاد با کفار، به این ملاک و معیار مقید شده‌اند.

با توجه به مطالب بالا و نظر به اهمیت جایگاه و نقشی که کارکنان پزشکی می‌توانند در تحقق اهداف حقوق بشردوستانه و تحفیف آلام و درد و رنج ناشی از مخاصمات مسلحانه برعهده داشته باشند، این مقاله به نحوه و محدوده حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه از این گروه، به منظور انجام بهتر وظایفشان، خواهد پرداخت؛ بنابراین، حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه، از دو منظر حقوقی و فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش حقوقی، تلاش می‌شود با استناد به برخی اسناد بین‌المللی و نیز اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه، این مسأله بررسی شود. در بخش فقهی، ابتدا به اثبات مبانی و قواعد فقهی حمایت از غیر نظامیان و غیررزمندگان در مخاصمات مسلحانه خواهیم پرداخت و در نهایت، چگونگی تطبیق این قواعد بر کارکنان پزشکی بیان خواهد شد. لازم به یادآوری است که این مقاله در صدد بررسی دیدگاه اولی فقهی در این موضوع است و این‌که این حمایت را بتوان با اختیارات حاکم اسلامی و مصالح زمان و مکان برقرار کرد، بحث دیگری است که از حوزه این مقاله، خارج است.

گفتار اول: تحلیل مفاهیم و اهمیت تاریخی

در این گفتار در دو بند، مباحثی را درباره تحلیل مفاهیم مورد استفاده در مقاله، انواع و مصادیق کارکنان پزشکی و در نهایت بحثی در اهمیت و تاریخچه حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه بیان خواهیم کرد.

بند اول: مفهوم‌شناسی

الف) کارکنان پزشکی

۱. مفهوم کارکنان پزشکی

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اصطلاح «کارکنان پزشکی» به افرادی اطلاق می‌شود که توسط یکی از طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه، منحصراً مأمور جستجو برای جمع‌آوری و حمل و نقل، تشخیص یا درمان، از جمله کمک‌های اولیه به مجروحان، بیماران، سرنشینان کشتی‌های غرق‌شده و پیشگیری از بیماری و خدمت در بخش مدیریت واحدهای پزشکی یا مدیریت حمل و نقل پزشکی می‌باشند. ۲ این مأموریت‌ها ممکن است، دائمی یا موقت باشد.

۳ در منابع فقهی هرچند به حضور برخی از زنان در بعضی جنگ‌ها برای مداوای مجروحان اشاره شده، تعریف خاصی از کارکنان پزشکی وجود ندارد.

۲. انواع کارکنان پزشکی

همان‌طور که بیان شد، از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کارکنان پزشکی افرادی هستند که منحصراً اقدام به انجام امور پزشکی می‌کنند. این افراد به دو دسته «نظامی» و «غیرنظامی» تقسیم می‌شوند:

۴ اصطلاح «کارکنان پزشکی نظامی» به آن دسته از کارکنان پزشکی اشاره دارد که عضو نیروهای مسلح هستند و اصطلاح «کارکنان پزشکی غیرنظامی»، به آن دسته از کارکنان پزشکی دلالت می‌کند که عضو نیروهای مسلح نیستند اما از جانب یکی از طرف‌های درگیری، منحصراً برای انجام امور پزشکی مأموریت دارند.

۳۵. مصادیق کارکنان پزشکی

بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، مصادیق کارکنان پزشکی را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

الف - کارکنان پزشکی دائمی؛ نظیر اشخاص منحصراً درگیر در مراقبت یا جمع‌آوری و حمل و نقل مجروحان، بیماران و کشتی‌شکسته‌ها و درگیر در درمان و پیشگیری از بیماری؛ نظیر پزشکان، پرستاران و غیره و نیز کارکنان بیمارستان کشتی‌های بیمارستانی؛

ب - کارکنان پشتیبانی پزشکی؛ مانند کارکنان اداری واحدها و تأسیسات پزشکی همچون مدیران، منشی‌ها، کارکنان بسته‌بندی و غیره؛

ج - کارکنان پزشکی جمعیت‌های امدادی خدمات پزشکی؛

د - کارکنان پزشکی تعیین شده برای سازمان‌های دفاع غیرنظامی طرف‌های مخاصمه؛<sup>۹</sup> و

ه - کارکنان پزشکی موقت؛<sup>۱۰</sup> شامل افراد حاضر در خدمات پزشکی که به طور کافی آموزش دیده باشند.<sup>۱۱</sup>

نکته قابل ذکر دیگر، این است که بر اساس تعریفی که در اسناد بین‌المللی از کارکنان پزشکی ارائه شد، این دسته از افراد می‌توانند نظامی و عضو نیروهای مسلح باشند. از این رو، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا کارکنان پزشکی نظامی و عضو نیروهای مسلح، «رزمنده» محسوب می‌شوند یا خیر؟ پاسخ به این سؤال از آن جهت دارای اهمیت است که حمایت خاص از کارکنان پزشکی، منوط بر این است که این افراد، رزمنده محسوب نشوند. به عبارت دیگر، عنصر اساسی در حمایت از کارکنان پزشکی، غیررزمنده بودن آنان است. تفصیل این مسأله در قسمت بعد خواهد آمد.

ب) نیروهای مسلح، رزمنده و غیررزمنده

قواعد حقوق بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی درباره افرادی که در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند، بین رزمندگان و غیررزمندگان تفاوت قائل می‌شوند و در هر صورت (در صورت تعلق هر فرد به هر دسته‌ای) آثار حقوقی خاصی در پی دارد. برای شناخت وضعیت حقوقی افرادی که در مخاصمات مسلحانه حضور دارند، لازم است به مفاهیم نیروهای مسلح، رزمنده و غیررزمنده اشاره‌ای شود تا وضعیت کارکنان پزشکی، اعم از نظامی و غیرنظامی، مشخص گردد.

۱. نیروهای مسلح

بر اساس تعریفی که پروتکل الحاقی اول<sup>۱۲</sup> از نیروهای مسلح ارائه کرده است، این نیروها شامل نیروهای مسلح سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهای سازمان‌یافته یک طرف مخاصمه می‌شود که اعضای آن:

الف - تحت نظر فرماندهی هستند که در قبال یک طرف مخاصمه، به دلیل رفتار زبردستانش مسؤولیت دارد) حتی اگر نماینده آن طرف، حکومت یا مقامی باشد که از سوی طرف دیگر مخاصمه به رسمیت شناخته نشده باشد)؛

ب - تابع یک نظم داخلی باشند که آنان را به رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه موظف می نمایند؛ و

ج - هنگامی که در عملیات نظامی به کار گرفته می شوند، لباس متحدالشکل بپوشند یا به نحو دیگری خود را از افراد غیرنظامی متمایز نمایند. ۱۳

بنا بر تعریفی که از نیروهای مسلح ارائه شد، این تعریف را می توان بر اصطلاح «نظامیان» نیز منطبق دانست؛ بنابراین، «غیرنظامیان» اشخاصی هستند که عضو نیروهای مسلح نیستند. ۱۴ مستند این مسأله و توضیح بیش تر در این باره، ذیل مفهوم رزمنده بیان خواهد شد.

## ۲. رزمنده و غیررزمنده

در حقوق بشردوستانه بین المللی، بر اساس آنچه که از بند ۲ ماده ۴۳ پروتکل الحاقی اول استفاده می شود، عنوان رزمنده به همه افرادی اطلاق می گردد که ممکن است در مخاصمات مسلحانه، شرکت مستقیم داشته باشند؛ بنابراین، تمامی اعضای نیروهای مسلح که «شرکت مستقیم» ۱۵ در درگیری ها دارند و می جنگند، رزمنده محسوب می شوند. ۱۶

با توجه به آنچه در تعریف «رزمنده» بیان شد، معنای «غیررزمنده» هم به دست می آید؛ بدین ترتیب که غیررزمندگان، افرادی هستند که یا عضو نیروهای مسلح هستند ولی در درگیری ها شرکت مستقیم ندارند و یا اصولاً عضو نیروهای مسلح نیستند. بنابراین، به جز رزمندگان، سایر اعضای نیروهای مسلح، غیررزمنده محسوب می شوند و همچنین افرادی که عضو نیروهای مسلح نیستند، اصولاً نظامی به حساب نمی آیند. ۱۷ با این حال، بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی، از جمله بند ۲ ماده ۴۳ پروتکل الحاقی اول، کارکنان پزشکی، اعم از نظامی و غیرنظامی، از دسته رزمندگان، مستثنا شده اند و غیررزمنده محسوب می شوند. ۱۸

نکته دیگری که در این جا باید به آن اشاره کرد، این است که افرادی که بدون عضویت در نیروهای مسلح، این نیروها را همراهی می کنند) مثلاً خبرنگاران جنگی (هم، غیرنظامی محسوب می شوند.

۱۹ در آموزه های اسلامی و فقه امامیه، از رزمنده با عنوان «مقاتل» یاد شده است؛ البته در روایات و نصوص دینی، تعریفی از مقاتل مشاهده نشد اما از آنچه که برخی لغویان در این باره بیان کرده و نیز مباحثی که مفسران ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره ۲۰ ارائه نموده اند و همچنین فقها در کتاب الجهاد بیان کرده اند، می توان تعریف مقاتل را بیان کرد.

برخی از علمای لغت، مقاتله) به فتح التاء ( را به معنی قتال دانسته‌اند ۲۱ و قتال را به «محاربه» و «محرابه بین اثنین»، تعریف کرده‌اند ۲۲ اما مقاتله) به کسر التاء ( را جمع «مقاتل» دانسته و آن را به «الذین يأخذون فی القتال» ۲۳ کسانی که شروع در قتال می‌کنند و «الذین یلون القتال» ۲۴ کسانی که نزدیک قتال می‌شوند و «القوم الذین یصلحون للقتال» ۲۵ کسانی که صلاحیت قتال دارند، معنا کرده‌اند و برخی دیگر برای «مقاتل» معنای «من یصلح للقتال او یباشره» ۲۶ را بیان کرده‌اند.

برخی از مفسران امامیه نیز در تعریف قتال و مقاتله، ذیل آیه ۱۹۰ سوره بقره گفته‌اند: «القتال و المقاتله محاوله الرجل قتل من یحاول قتله»، ۲۷ قتال و مقاتله عبارت است از قصد شخص برای کشتن کسی که قصد کشتن او را دارد. برخی دیگر از مفسران نیز مقاتله) به فتح التاء ( را به معنی جنگ و جدال برای کشتن دیگری بیان کرده‌اند. ۲۸

مجموع آنچه که از کلام لغویان و مفسران استفاده می‌شود، این است که مقاتل به کسی گفته می‌شود که هم صلاحیت و اهلیت قتال داشته باشد و هم در مقام مقاتله و قصد قتال باشد. بنابراین، افرادی که یا توانایی و اهلیت قتال را ندارند مانند زنان و کودکان و پیران، و یا توانایی و اهلیت قتال را دارند اما در مقام و قصد مقاتله نیستند، مانند عابدان و راهبان در عبادتگاه‌ها، مقاتل محسوب نمی‌شوند.

در تبیین این تعریف، ذکر چند نکته لازم است:

اولاً: مقاتله از افعال مشارکت است، یعنی برای تحقق مقاتله دو طرف لازم است؛ از این رو مقاتله در موردی که دشمن با مسلمانان سر جنگ ندارد، اصولاً محقق نمی‌شود.

ثانیاً: «توانایی بر قتال»، صرفاً «توانایی جسمی یا فیزیکی» نیست مانند آنچه که برخی ذکر کرده‌اند، ۲۹ بلکه شامل «توانایی فکری» هم می‌شود؛ بنابراین افرادی که توانایی فیزیکی جنگیدن را نداشته، اما با ارائه برنامه و طرح‌های نظامی و نقشه‌های جنگی با دشمن همکاری می‌کنند، مشمول تعریف مقاتل می‌شوند؛ زیرا همان گونه که از کلام غالب فقها ۳۰ استفاده می‌شود، پیرانی که با ارائه طرح‌ها و نقشه‌های جنگی، در صدد مقاتله برآمده‌اند، هرچند توانایی فیزیکی قتال نداشته باشند، در حکم مقاتل هستند و در نتیجه، جنگ و قتال با آنان مجاز است. ۳۱ بنابراین، افرادی که اقدام به «مباشرت» یا «معاونت» در قتال نمایند، «مقاتل» خواهند بود اما افرادی که در جنگ و عملیات نظامی مشارکت ندارند به طوری که نه مباشر در قتال باشند و نه معاون، «غیرمقاتل» محسوب می‌شود.

ثالثاً: برخی بر این عقیده‌اند که از نظر اسلام، اگر کسی قادر به جنگ باشد، چه در جنگ شرکت داشته باشد و چه شرکت نداشته باشد، رزمنده محسوب می‌شود؛ ۳۲ اما برخلاف این دیدگاه، صرف توانایی کسی بر قتال، در حالی که در جنگ حضور ندارد، باعث نمی‌شود که وی مقاتل محسوب شود؛ حتی صرف حضور فردی در میدان جنگ،

باعث نمی‌شود این فرد مقاتل محسوب شود، مگر این‌که در مقام و قصد مقاتله هم باشد، ۳۳ در این صورت، هرچند عملاً اقدام به مقاتله هم نکرده باشد، مقاتل محسوب خواهد شد. شاهد بر این مطلب، کلمات فقها در باب غنیمت است که معتقدند فاضل غنیمت، سهم مقاتل است؛ از این رو، این غنیمت صرفاً به کسانی می‌رسد که یا جنگیده باشند یا به نیت جنگ حاضر شده، هرچند نجنگیده باشند؛ ۳۴ بنابراین، کسانی که در جنگ حاضر شده اما نه برای جنگیدن، غیرمقاتل محسوب می‌شوند؛ ۳۵ بنابراین شهید ثانی معتقد است اگر کسی برای صنعتی یا حرفه‌ای در میدان جنگ حاضر شده و نه برای قتال، مانند دامپزشک و نعل‌بند، خوار و بار فروش، تیماردار و ستوردار و همچنین نگهبان، غیرمقاتل است و سهم خاص مقاتلین به او نمی‌رسد؛ ۳۶ و به طریق اولی، کسی که اصلاً در جنگ حاضر نشده، هرچند توانایی بر قتال هم داشته، مقاتل به شمار نمی‌آید.

البته شاید دیدگاه فوق دو دلیل داشته باشد، اولاً: بیان نظر برخی دیگر از دانشمندان مسلمان باشد؛ زیرا عبارتی با این مضمون در تعریف مقاتل از سرخسی نقل شده که «المقاتل من له بنية للقتال»؛ ۳۷ رزمنده کسی است که توانایی جنگیدن داشته باشد. ثانیاً: در جنگ‌های قدیم، شرکت در جنگ وظیفه همه مردان بوده است و معمولاً «همه» مردان قبیله به جنگ می‌رفته‌اند و همه می‌جنگیده‌اند و فقط زنان و کودکان و ناتوانان، از جنگیدن معاف بوده‌اند؛ بنابراین عنوان نظامی و رزمنده، بر همه مردان اطلاق می‌شد و غیررزمندگان، فقط شامل زنان، کودکان و برخی افراد خاص دیگر می‌شد؛ مانند از کارافتادگان و کلاً کسانی که قابلیت جنگ نداشتند. بنابراین، در این‌که چه کسانی رزمنده یا غیررزمنده محسوب شوند، تصمیم‌ها و سیاست‌های دفاعی، مؤثر و تعیین‌کننده است؛ مثلاً اگر کشوری بسیج عمومی اعلام کند و تمام مردان خود را مسلح نموده، به جنگ بفرستد - مانند آنچه در صدر اسلام عمل می‌شد - همه آنان رزمنده محسوب می‌شوند. اما اگر صرفاً گروهی خاص، برای این کار اقدام کنند، فقط همان عده رزمنده خواهند بود و دیگران، اگرچه مرد باشند و توانایی جنگیدن داشته باشند، غیررزمنده محسوب خواهند شد. از سوی دیگر، امروزه در برخی کشورها، زنان به استخدام نیروهای مسلح در آمده و به عنوان یک نظامی دوشادوش مردان، و حتی در عالی‌ترین رده‌های فرماندهی، به انجام وظایف و مأموریت‌های خاص نظامی مشغول هستند که در این صورت این‌گونه زنان قطعاً رزمنده و مقاتل محسوب می‌شوند؛ در حالی که در صدر اسلام و دیگر جنگ‌های قدیم، از زنان به عنوان رزمنده استفاده نمی‌شد. از این رو می‌توان گفت قاعده کلی در رزمنده یا غیررزمنده بودن افراد، به مقاتل یا مقاتل نبودن آنان بستگی دارد. بنابراین، کسانی که اصولاً در جنگ شرکت ندارند و یا در جنگ شرکت دارند اما نقش فعالی در جنگ و به کارگیری سلاح ندارند، غیرنظامی و غیررزمنده محسوب می‌شوند و فرقی نمی‌کند که از مردان یا زنان باشند.

با توجه به آنچه در تعریف رزمنده و مقاتل بیان شد، می‌توان گفت چون هدف و ماهیت خدمات پزشکی و فعالیت کارکنان پزشکی، غیرنظامی است و در عملیات نظامی و اقدامات خصمانه و به کارگیری سلاح، مشارکت ندارند و



هدفی انسانی و غیرنظامی را پی می‌گیرند، غیرمقاتل محسوب می‌شوند؛ بنابراین قتال با آنان جایز نیست، مگر این‌که مستقیماً اقدام به جنگ نمایند یا کاری انجام دهند که به نوعی معاونت در قتال محسوب گردد.

البته ممکن است در بخشی از خدماتی که کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه ارائه می‌کنند، این بحث مطرح شود که کار آنان معاونت در قتال باشد؛ مانند این‌که کارکنان پزشکی، برخی مجروحان را درمان کرده، مجدداً به میدان نبرد اعزام کنند که در این صورت، ممکن است این کار به تقویت بنیه نظامی دشمن منجر شود و معاونت در قتال محسوب گردد. از کلمات برخی فقها نیز همین حکم برداشت می‌شود؛ هرچند برخی از فقهای اهل سنت معتقدند که در زمان حاضر، با این دسته از کارکنان پزشکی باید با تسامح برخورد کرد و آنان نباید کشته شوند، بلکه باید آنان را اسیر کرد تا جنگ تمام شود؛ زیرا کار آنان ماهیتی انسانی دارد. ۳۸.

با توجه به آنچه گفته شد، به غیر از موردی که ممکن است خدمات کارکنان پزشکی معاونت محسوب شود، در سایر موارد، فعالیت آنان غیرنظامی است؛ مانند اقدام به مداوای مجروحانی که به خارج از جبهه منتقل می‌شوند یا فعالیت جمعیت‌های امدادی و پزشکی بی‌طرف مانند صلیب سرخ، هلال احمر، پزشکان بدون مرز و... که کار آنان مشارکت در جنگ و عملیات نظامی محسوب نمی‌شود. از این رو، این دسته از کارکنان پزشکی که با هدف کمک به مجروحان و بیماران در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند، چون در مخاصمه و عملیات نظامی مشارکت مستقیم ندارند و کارشان نیز به تقویت بنیه نظامی دشمن نمی‌انجامد، غیررزمنده و غیرمقاتل محسوب می‌شوند.

نکته پایانی قابل ذکر این که ملاک و معیار تشخیص معاونت یا عدم معاونت کارکنان پزشکی در قتال، عرف است؛ و در مواردی که تشخیص آن مشکل باشد، با توجه به هدف و ماهیت انسانی و غیرنظامی خدمات پزشکی، اصل بر عدم معاونت در قتال خواهد بود.

بند دوم: اهمیت و تاریخچه حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه

تا جایی که تاریخ به یاد دارد، در بیش‌تر زمان‌ها، سایه شوم جنگ بر کره خاکی گسترده بوده است؛ به گونه‌ای که بر اساس برخی از تحقیقات، بشر فقط ۲۵۰ سال را در صلح و آرامش زندگی کرده است؛ جنگ‌هایی که قربانیان فراوانی داشته و اکثریت قربانیان آن را غیرنظامیان و غیررزمندگان تشکیل می‌داده است. این مسأله باعث شد افرادی تلاش کنند تا از آسیب‌ها و خشونت‌های غیرانسانی در جنگ‌ها کاسته شود.

ظهور حقوق بین‌الملل بشردوستانه به صورت امروزی را باید از زمان تأسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دانست. در سال ۱۸۵۹، سپاهیان فرانسه و اتریش در «سولفرینو»، منطقه‌ای در شمال ایتالیا به نبرد سختی پرداختند که در مدت کوتاهی سی و شش هزار نفر مجروح به جای گذاشت. مجروحان در صحنه نبرد در حال جان باختن بودند و

کسی به کمک آنان نمی‌آمد و صحنه رقت‌انگیزی به وجود آمده بود. در این حال، یک بازرگان جوان سوئسی به نام «هانری دونان» ۳۹ اندکی پس از نبرد، به منطقه جنگ وارد شد و خسارات و تلفات جنگ را مشاهده کرد. این صحنه‌ها او را کاملاً تحت تأثیر قرار داد. وی به کمک افراد محلی، یک حرکت امدادی اولیه را برای نجات مجروحان در میدان جنگ سامان داد و به کمک آنان شتافت.

هانری دونان در بازگشت به کشور خود با الهام از مشاهداتش در نبرد سولفرینو، کتاب «خاطرات سولفرینو» ۴۰ را منتشر نمود. او در این کتاب، پس از شرح تألمات و سختی‌های صحنه جنگ، برای کاهش تلفات و آلام قربانیان، دو پیشنهاد ارائه کرد:

اول: تأسیس یک جمعیت امدادی داوطلب در هر کشور که در زمان صلح آموزش دیده باشند تا در زمان جنگ، خدمات درمانی و امدادی ارائه کنند؛

دوم: دولت‌های جهان، در یک کنگره اجتماع نموده و یک اصل بین‌المللی تخلف‌ناپذیر را که از طریق یک قرارداد، ضمانت اجرایی می‌یابد، تصویب نمایند تا مبانی حقوقی حمایت از بیمارستان‌های نظامی و کارکنان پزشکی و امدادی را ایجاد نمایند.

پیشنهاد اول هانری دونان منتهی به تأسیس صلیب سرخ و هلال احمر جهانی در ۱۷ فوریه ۱۸۶۳ شد؛ و پیشنهاد دوم، به تصویب اولین کنوانسیون ژنو در اوت ۱۸۶۴ با هدف بهبود شرایط مجروحان نظامی در جنگ توسط نمایندگان ۱۶ کشور منجر گردید. ۴۱

تصویب این کنوانسیون اولین گام مهم و حقوقی برای به رسمیت شناختن جایگاه و حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه بود. از آن زمان به بعد، کنوانسیون‌ها و معاهدات متعدد دیگری برای تسهیل فعالیت کادر پزشکی و امدادی و حمایت حقوقی و قانونی از آنان در مخاصمات مسلحانه به تصویب رسیده است. ۴۲ بر اساس این اسناد، طرفین منازعات و درگیری‌ها موظفند با افرادی که در مخاصمات مسلحانه مجروح یا بیمار شده‌اند، اولاً رفتاری انسانی داشته باشند؛ و ثانیاً آن‌ها را جمع‌آوری کرده، به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی اعزام نمایند؛ و در صورتی که افرادی این وظیفه را بر عهده گیرند، از آنان کاملاً حمایت کنند.

اهمیت حمایت از کارکنان پزشکی و نقشی که این گروه‌ها می‌توانند در تحقق اهداف انسانی در مخاصمات مسلحانه داشته باشند، با تصویب پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، وارد مرحله جدیدی شد. بر اساس این پروتکل، دامنه شمول حمایت از کارکنان پزشکی غیرنظامی به کارکنان پزشکی نظامی گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در حمایت از کارکنان پزشکی، تمایزی بین کارکنان پزشکی نظامی یا غیرنظامی نمی‌توان قائل شد. ۴۳

نکته مهمی لازم به ذکر است و آن این‌که، حمایت از کارکنان پزشکی، یک امتیاز شخصی برای آنان نیست، بلکه یک حمایت فرعی و تبعی است. بدین معنا که حمایت از این گروه به منظور تضمین برخورداری مجروحان و بیماران جنگی از مراقبت‌های پزشکی است. ۴۴

نتیجه این‌که، برای تحقق هدف انسانی حقوق بشردوستانه، مبنی بر رسیدگی به بیماران و مجروحان جنگی، لازم است کارکنان پزشکی که این وظیفه را بر عهده دارند، از حمایت و مصونیت در مخاصمات مسلحانه برخوردار باشند.

اقدامات صورت گرفته در حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای حمایت از اشخاص در مخاصمات مسلحانه، تماماً طی یکی دو قرن اخیر صورت پذیرفته است؛ اما دانشمندان و فقهای مسلمان، قرن‌ها پیش، مباحث حقوق بشردوستانه را متأثر از آموزه‌های دین و سنت و سیره پیشوایان دینی، در کتاب‌های خود آورده‌اند. ۴۵ برای نمونه، آنچه امروز تحت عنوان اصل تفکیک و تمایز به عنوان یکی از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح است، به زیبایی در آموزه‌های اسلامی و کلمات فقهای مسلمان، آمده است که در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

گفتار دوم: اصول و قواعد فقهی و حقوقی حمایت از کارکنان پزشکی

اصول و قواعد متعدد فقهی و حقوقی همچون «نفی اعتدا»، «عدالت»، «مصلحت»، «عدم تعاون بر اثم»، و «تفکیک» و «وفای به عهد»، می‌توانند مبنای فقهی و حقوقی حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه قرار گیرند. در این گفتار، با توجه به مجال محدود این مقاله، تنها به دو مورد از اصول و قواعدی می‌پردازیم که در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و فقه امامیه، می‌توان به آن‌ها استناد کرد.

بند اول: اصل تفکیک

یکی از اصول مهم و بنیادین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه، اصل تفکیک است. بر مبنای این اصل، باید بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه، تفکیک قائل شد. از این رو، اشخاص، اماکن و اموال غیرنظامی نباید هدف قرار گیرند.

اشخاص غیرنظامی، مصادیق گوناگونی دارند که هدف قرار دادن هر کدام از آنان در مخاصمات مسلحانه بر طبق این اصل، ممنوع است؛ از این رو لازم است بین رزمندگان و غیررزمندگان، تفکیک و تمایز صورت پذیرد. ۴۶ و هیچ‌گونه تهدید و حمله‌ای نباید علیه غیرنظامیان و غیررزمندگان صورت گیرد. ۴۷

موضوع ایجاد تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان، نخستین بار در «اعلامیه سن پترزبورگ» مطرح و وضع شد. در حال حاضر، این اصل در مواد ۴۸ و بند ۲ ماده ۵۱ و بند ۲ ماده ۵۲ از پروتکل الحاقی اول آمده است. ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول، هرگونه اقدام یا تهدید به خشونت را که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع کرده است.

بر این اساس، ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی‌ای را که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند، جزو جنایات جنگی به شمار آورده است. ۴۸.

یکی از گروه‌هایی که بر اساس این اصل، در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، از رزمندگان تفکیک شده‌اند و نمی‌توان آنان را در مخاصمات مسلحانه، هدف قرار داد، کارکنان پزشکی هستند که اصولاً از رزمندگان مستثنا شده‌اند.

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز اصل تفکیک از جایگاه مهم و اساسی برخوردار است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، رزمنده مسلمان باید اهداف نظامی را از غیرنظامی و رزمندگان را از غیررزمندگان تمییز داده، فقط نظامیان و رزمندگان دشمن را هدف قرار دهد؛ بر همین اساس، به کارگیری روش‌ها یا سلاح‌هایی که منجر به از بین بردن یا صدمه به غیرنظامیان و غیررزمندگان می‌شود، ممنوع گردیده است. در این‌جا به برخی از مستندات این اصل در آموزه‌های اسلامی اشاره می‌کنیم.

#### ۱. کتاب

قرآن کریم در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

۴۹ از این آیه استفاده می‌شود که جنگ و قتال، مختص مقاتلین است و بنا بر تعریفی که از مقاتل بیان شد، افرادی که اصولاً نظامی و رزمنده نبوده، یا قادر بر جنگ نیستند، مقاتل محسوب نمی‌شوند و در نتیجه نباید هدف جنگ و قتال قرار گیرند؛ بنابراین به قرینه «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»، قتال با کسانی که سر جنگ با مسلمانان ندارند، اعتدا و تجاوز از حدود الاهی است.

صاحب تفسیر نمونه به این مسأله اشاره و تأکید می‌کند که جمله «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» صراحت دارد که این دستور، مخصوص مقابله با کسانی است که دست به اسلحه می‌برند و تا دشمن به مقاتله و مبارزه برنخیزد، مسلمانان نباید حمله کنند و این اصل، همه جا محترم شمرده شده است. ۵۰.

بنابراین، افراد و گروه‌هایی، همچون کارکنان پزشکی، به این دلیل که در مخاصمات و درگیری‌های مسلحانه، شرکت مستقیم ندارند و صرفاً هدفی انسان دوستانه را دنبال می‌کنند، غیرمباشر و غیرمعاون در جنگ محسوب می‌شوند و قتال با آنان ممنوع است.

به عبارت دیگر، بر اساس آیه فوق و مطابق مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه، این یک تکلیف است که بین دو دسته افراد، یعنی افراد نظامی و غیرنظامی در منازعات مسلحانه با هر ماهیت و شکلی، تفکیک شود. خصومت فقط بین نیروهای مسلح مجاز است. این یک قاعده بنیادین و لازم‌الاجرا در نظام حقوقی اسلام است. خداوند می‌گوید: «با کسانی بجنگید که با شما می‌جنگند»؛ به اصطلاح امروزی، این آیه بدین معنی است که عمل جنگی، فقط به وسیله نیروهای مسلح مجاز است. ۵۱.

## ۲. سنت

در سنت و سیره معصومین(ع) هم اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی دیده می‌شود. شیخ الطائفه طوسی در تهذیب، روایتی را بدین مضمون از امام صادق(ع) نقل می‌کند:

ان النبی صلی الله علیه و آله، اذا اراد ان یبعث امیراً علی سریه، امره بتقوی الله عزوجل... ثم یقول: لاتغدروا و لاتغلبوا و لاتمثلوا و لاتقتلوا ولیداً و لامتبتلاً فی شاهی و لاتحرقوا النخل و لاتغرقوه بالماء و لاتقطعوا شجره مثمره و لاتحرقوا زرعاً. ۵۲.

هرچند در این روایت نامی از هدف نظامی و غیرنظامی به میان نیامده است، از این روایت استفاده می‌شود که مصادیق بیان شده در دستور رسول اکرم(ص) به فرمانده سپاه خود، اهداف غیرنظامی هستند؛ از این رو او را به رعایت اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی در جنگ امر می‌کند.

روایتی را برخی محدثان از امام صادق(ع) نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: امیرالمؤمنین(ع) از رسول خدا(ص) نقل کردند که:

نهی رسول الله صلی الله علیه و آله ان یلقى السم فی بلاد المشرکین. ۵۳.

به نظر می‌رسد همان گونه که از کلام برخی فقها ۵۴ استفاده می‌شود، نهی صادره به این دلیل است که ممکن است غیرمقاتلان را هدف قرار دهد که این خلاف اصل تفکیک است.

کودکان نیز یکی از گروه‌هایی هستند که چون مقاتل نیستند، با لحاظ اصل تفکیک بین مقاتلان و غیرمقاتلان، مورد حمایت خاص قرار می‌گیرند. در یکی از جنگ‌ها، پیامبر اسلام(ص) مشاهده کردند که رزمندگان مسلمان، پس از

پیروزی و غلبه بر دشمن و نابودی آنان، به کشتن کودکان آنان دست دراز کرده‌اند. فریاد پیامبر(ص) بلند شد که: «الا لا تقتل الذریه، الا لا تقتل الذریه»؛ تا سه بار پیامبر این جمله را تکرار کردند. ۵۵

عبارت دیگری نیز از رسول رحمت(ص) در توبیخ و مذمت کسانی که به قتل کودکان دست یازیده‌اند، ذکر شده که ایشان فرمودند: «چه شده است عده‌ای را که دست به کشتن کودکان می‌زنند.» ۵۶

بر همین اساس، برخی از فقهای امامیه نیز این مسأله را در نظرات فقهی خود مد نظر قرار داده‌اند. مرحوم علامه فضل الله در «کتاب الجهاد» خود، فصلی را تحت عنوان «فی احکام غیر المقاتله» باز کرده، مباحث مهمی را درباره این اصل بیان می‌کند و پس از آن که ملاک و معیار عدم جواز قتل غیرمقاتلان را بیان می‌کند، اظهار می‌دارد که در جنگ باید میان افراد دشمن، تفاوت قائل شد و جنگجویان آنان را از غیرجنگجویان تشخیص داد. ۵۷

فقیه نامدار امامیه، صاحب جواهر، در کتاب ارزشمند خود پس از بیان مصادیقی از غیرنظامیان و غیررزمندگان همچون زنان و کودکان و مجانین، هدف قرار دادن و کشتن آنان در جنگ را جایز نمی‌داند و اظهار می‌دارد: «کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مسأله مخالفت کرده باشد.» ۵۸ ایشان سپس می‌فرماید: «بلکه علامه در «منتهی»، در مورد زنان و کودکان، بر آن ادعای اجماع کرده است.»

۵۹ مرحوم صاحب جواهر همچنین درباره عدم جواز کشتن پیرمردی هم که دخالتی در مقاتله نداشته باشد، نفی خلاف کرده، بلکه از ظاهر عبارت «تذکره» و «منتهی» ادعای اجماع کرده است. ۶۰

### ۳. اجماع

همان گونه که در نقل فتاوی برخی فقها بیان شد، می‌توان گفت که فقهای امامیه بر این اصل، اجماع دارند؛ آن را پذیرفته و بر اساس آن حکم کرده‌اند. بر همین اساس، برخی معتقدند: «فقهای اسلامی متفقاً تفکیک قائل شدن بین نظامیان و غیرنظامیان را قبول دارند.» ۶۱

### ۴. عقل

یکی از اصول انسانی در جنگ‌ها این است که از کشته شدن و آسیب دیدن شهروندان و افراد بی‌گناه جلوگیری شود. این موضوع آرمان همه انسان‌ها و در رأس آنان انبیای الهی است. بنابراین، به نظر می‌رسد عقل انسان به تفکیک رزمندگان از غیررزمندگان در جنگها و مخاصمات مسلحانه، حکم می‌کند و عقلاً کسی بر کشتن شهروندان و افرادی که مشارکتی در جنگ ندارند، حکم نمی‌کند؛ و اگر کسی به قتل با کسی برخیزد که در مقام قتال نیست و قصدی بر جنگ ندارد، عقلاً او را مذمت و سرزنش می‌کنند.

بند دوم: قاعده نفی اعتدا

یکی از قواعد مهم حقوق بشر دوستانه اسلامی در حوزه حمایت از غیرنظامیان، به ویژه کارکنان پزشکی که از منظر فقه امامیه می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، قاعده «نفی اعتدا» می‌باشد.

قرآن کریم در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد، تجاوز نکنید؛ به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.

به اعتقاد برخی از مفسران، این آیه، اولین آیه‌ای است که درباره جنگ با دشمنان در مدینه نازل شد و پس از نزول این آیه، پیامبر اکرم(ص) با آنان که از در پیکار درآمدند، پیکار کرد؛ و نسبت به آنان که پیکار نداشتند، خودداری کردند.

۶۲ این آیه به قتال با مقاتلان و نهی از تجاوز و اعتدا به غیر آنان، امر می‌نماید. از عبارت «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» استفاده می‌شود که تجاوز از مقررات و احکام جهاد، ممنوع است و جنگ با کسانی که سر ستیز با مسلمانان ندارند، از مصادیق اعتدا و تجاوزگری است؛ و این، یک قاعده کلی است که قرآن کریم به آن اشاره دارد. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» ذیل این آیه می‌فرماید:

اعتدا به معنای بیرون شدن از حد است و وقتی گفته می‌شود: «فلان عدا و اعتدی»، معنایش این است که فلانی از حد خود تجاوز کرده است. نهی از اعتدا در این آیه، نهی مطلق است؛ و در نتیجه، مراد از آن، هر عملی است که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد؛ مانند قتال قبل از دعوت به حق و نیز قتال ابتدایی و قتل زنان و کودکان و قتال قبل از اعلان جنگ با دشمن و امثال این‌ها که سنت نبوی آن را بیان کرده است.

۶۳ یکی از مصادیق اعتدا، قتل زنان و کودکان - به عنوان کسانی که اهلیت قتال ندارند - می‌باشد؛ دلیلی هم بر انحصار عدم جواز قتال به زنان و کودکان نیست؛ بلکه نهی از اعتدا، مطلق است و قتال با هر کس که غیرمقاتل باشد، طبق آیه، از مصادیق اعتدا می‌باشد که مورد نهی خداوند قرار گرفته است.

در تفسیر شریف لاهیجی، همین مسأله به صراحت آمده است. این مفسر امامیه، در تفسیر «وَلَا تَعْتَدُوا» می‌فرماید:

و از حد مگذرید و از آن جماعت که اهلیت قتال ندارند، ابتدا به قتال نکنید.

۶۴ مرحوم ملامحسن فیض کاشانی نیز معتقد است یکی از مصادیق اعتدا، قتل کسانی است که از کشتن آنان نهی شده است؛ مانند زنان، کودکان، پیران و معاهدان.»

۶۵ آیت الله جوادی آملی در بیان تفسیر «لَا تَغْتَدُوا» می‌فرماید:

عدم ذکر متعلق نهی (لَا تَغْتَدُوا) نشان می‌دهد که از هرگونه تجاوز حق و حکم، نهی شده است؛ خواه درباره اشخاص باشد یا نحوه قتل دشمن یا قوانین جنگ.

۶۶ ایشان سپس مصادیق اعتدا را توسعه داده، در بیان مصادیق آن، اعتدا به قوانین و مقررات جنگی را مثال می‌آورند و از ممنوعیت جنگ با کسانی که سلاح بر زمین می‌گذارند یا مجروحان و ناتوانان از نبرد، سخن می‌گویند.

۶۷ برخی دیگر از مفسران امامیه نیز از این آیه، نفی اعتدا بر غیرمقاتلان را برداشت کرده‌اند. ۶۸ همچنین، برخی از مفسران اهل سنت هم مصداق اعتدا را تجاوز به غیرمحرابان - مانند زنان و کودکان و پیرمردها و عبادت‌کنندگان - و نیز تجاوز از آداب جنگ در اسلام دانسته‌اند.

۶۹ بنابراین، از این آیه یک قاعده کلی استفاده می‌شود که هرگز غیرنظامیان نباید مورد تهاجم واقع شوند؛ زیرا آنها به مقاتله برخاسته‌اند و مصونیت دارند. افرادی که سلاح بر زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگیدن را از دست داده‌اند یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان نباید مورد تعدی قرار گیرند

۷۰. نتیجه این‌که، کارکنان پزشکی که در عملیات نظامی و به‌کارگیری سلاح مشارکت ندارند، نباید مورد

تجاوز و تعدی قرار گیرند.

#### نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که یکی از قواعد اساسی و بنیادین در حقوق بشردوستانه، تفکیک و تمییز میان رزمندگان و غیررزمندگان است. بر این اساس، در مخاصمات مسلحانه، جنگ و درگیری صرفاً بین نظامیان و رزمندگان مجاز است و غیرنظامیان و غیررزمندگان نباید هدف این گونه مناقشات باشند. غیرنظامیان و غیررزمندگانی که از حمایت نظام بین‌الملل حقوق بشردوستانه و آموزه‌های اسلامی، به ویژه فقه امامیه، برخوردار هستند به افراد خاصی منحصر نیستند؛ بلکه هرکس، رزمنده و مقاتل نباشد و عنوان غیررزمنده و غیرمقاتل بر او صادق باشد، از این حمایت خاص برخوردار است؛ خواه زنان و کودکان باشند، خواه پیران و ازکارافتادگان، و خواه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران. طبق این معیار، کارکنان پزشکی نیز به عنوان یکی از گروه‌هایی که با هدفی انسان‌دوستانه و کمک به مجروحان و بیماران در مخاصمات مسلحانه و میادین جنگ، حاضر می‌شوند، از این



حمایت برخوردارند. آیات و روایات، قواعد فقهی و حقوقی، فتاوی فقها و اسناد متعدد بین‌المللی بر این امر دلالت دارند.

البته این حمایت تا وقتی است که آنان صرفاً به وظایف پزشکی خود مشغول باشند و از ورود به مخاصمات مسلحانه و عملیات جنگی خودداری کنند. از سوی دیگر، از دیدگاه برخی فقهای امامیه، فعالیت و خدمات آن دسته از کارکنان پزشکی که به تقویت جبهه و بنیه نظامی دشمن منجر شود، مورد حمایت نخواهد بود؛ اما کارکنان پزشکی‌ای که خدماتشان تقویت نظامی دشمن را در پی نداشته باشد، غیرمقاتل محسوب شده، هدف جنگی نخواهند بود.

بنابراین رعایت مصونیت و احترام کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه و منع هرگونه تهدید، خشونت و حمله به آنان، یک قاعده آمره بین‌المللی و یک حکم و تکلیف دینی است و متخصصان، موظف به رعایت آن هستند و هرگونه تخطی عمدی از آن، علاوه بر این‌که جنایت جنگی محسوب می‌شود و تجاوز و خروج از حدود الهی است، مبعوض خداوند نیز خواهد بود و چنین افرادی از رحمت خداوند، دور خواهند بود.

## مراجع

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم: لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۷.
۴. ابوغده، حسن: قضايا فقهية في العلاقات الدولية حال الحرب، مكتبة العبيكان، ریاض، ۱۴۲۰.
۵. الاحمدی المیانجی، علی: الاسیر فی الاسلام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱.
۶. انیس، ابراهیم، و آخرون: المعجم الوسیط، المكتبة الاسلامیة، استانبول، بی تا.
۷. ایپسن، نات: «رزمندگان و غیررزمندگان»، ترجمه کتایون حسین‌نژاد، در «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ویراسته دیتر فلک، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۷.
۸. الترحینی العاملی، السید محمدحسن: الزبده الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، دارالهادی، بیروت، ۱۳۱۵.

۹. الجبعی العاملی، زین الدین) الشہید الثانی( : الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، دارالعالم الاسلامی، بیروت، بی تا.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله: تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.

۱۱. الجوهری، اسماعیل بن حماد: الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷.

۱۲. الحر العاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۱.

۱۳. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح: آیات الاحکام، انتشارات نوید، تهران، ۱۳۷۷.

۱۴. الحلّی، حسن بن یوسف المطهر)العلامة الحلّی( : تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۹.

۱۵. حمیدالله، محمد: سلوک بین المللی دولت اسلامی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

۱۶. الخزاعی النیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد)ابوالفتوح الرازی( : روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.

۱۷. دونان، هانری؛ خاطره، سولفونیو: روایت غربت کرامت بشری در درگیریهای مسلحانه، ترجمه نادر ساعد و میثزه صمدی، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۸۸.

۱۸. رابوس، والتر: «حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی شکسته‌ها»، ترجمه نادر ساعد، در «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ویراسته دیتر فلک، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۷.

۱۹. راجرز، آنتونی؛ مالرب، پل: قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.

۲۰. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد: مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۹.

۲۱. الزحیلی، وهبة: آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۲.

۲۲. السبزواری، السید عبدالاعلی: مهذب الاحکام، مؤسسه المنار، قم، ۱۴۱۳.

۲۳. السیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله)فاضل مقداد( : کنز العرفان فی فقه القرآن، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۳.

۲۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی: تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۳.
۲۵. الطباطبائی، السید محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲.
۲۶. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن: تفسیر جوامع الجامع، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۳.
۲۷. -: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶.
۲۸. الطریحی، فخرالدین: مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۸.
۲۹. الطنطاوی، السیدمحمد: التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی نا، بی تا.
۳۰. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن: التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹.
۳۱. -: تهذیب الاحکام، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳.
۳۲. فضل الله، السید محمدحسین: تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت، ۱۴۱۹.
۳۳. -: کتاب الجهاد، دارالملاک، بیروت، ۱۴۱۹.
۳۴. فیض کاشانی، ملامحسن: تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵.
۳۵. القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن الانصاری: الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳.
۳۶. قطب، سیدمحمد: فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت، ۱۴۱۹.
۳۷. کاشف الغطاء، جعفر: کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۲۲.
۳۸. الکلینی، محمد بن یعقوب: الکافی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳.
۳۹. کمیته ملی حقوق بشردوستانه: حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری های مسلحانه، مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران، تهران، ۱۳۹۰.
۴۰. گاسه، هانس پیتر: «حمایت از جمعیت غیرنظامی»، ترجمه هاجر سیاه رستمی، در «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ویراسته دیتر فلک، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۸۷.
۴۱. لطفی، عبدالرضا و دیگران: اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه، نشر هستی نما، تهران، ۱۳۸۸.

٤٢. محقق داماد، سيد مصطفى: حقوق بشر دوستانه بين المللى، رهافت اسلامى؛ مركز نشر علوم اسلامى، تهران، ١٣٨٣.

٤٣. مرتضى العاملى، السيد جعفر: الصحيح من سيرة النبي الاعظم، المركز الاسلامى للدراسات، بيروت، ١٤٢٨.

٤٤. المشهدى القمى، محمد بن محمدرضا: كنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى، تهران، ١٣٦٧.

٤٥. معلوف، لويس: المنجد فى اللغة، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم، بى تا.

٤٦. المقرئ الفيومى، احمد بن محمد بن على: المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، دارالهجرة، قم، ١٤٠٥.

٤٧. مكارم شيرازى، ناصر؛ و همكاران: تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٧٧.

٤٨. ممتاز، جمشيد؛ و رنجريان، اميرحسين: حقوق بين الملل بشر دوستانه، مخاصمات مسلحانه بين المللى؛ نشر ميزان، تهران، ١٣٨٤.

٤٩. النجفى، محمدحسن: جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

٥٠. الواقدى، محمد بن عمر: المغازى، عالم الكتب، بيروت، ١٤٠٤.

١٥.

noitnevnoC(I)rofehTnoitaroilemAfoehTnoitidnoCfoehTdednuowdnakcisnidemrAsecro  
oFniehT

aveneGdleif21tsuguA

noitnevnoC(II)rofehTnoitaroilemAfoehTnoitnevnoCfo259491..

kcisednuowdnadekcerwpihssrebmeMfodemrAsecroFta

aveneGaes21tsuguA

noitnevnoC(VI)evitalerotehTnoitcetorPfonailiviCsnosrePniemiTfo359491..

aveneGraW21tsuguA

١٩٤٩٥٤..

naeJstreakcneHeiraMdna-

esiuoLkceB

yramotsuC-dlawsoD lanoitanretnInairatinamuH

egdirbmaCegdirbmaCwaLytisrevinU

sserP559002locotorP(I)lanoitiddAotehTaveneGsnoitnevnoCfo21tsuguA9491dna ..

gnitalerotehTsnoitcetorPfosmitciVfolanoitanretnIdemrA

stcilmfnoC8enuJ

emoRetutatSfoehTlanoitanretnInanimirCtruoC٦٥٧٩٩١..

(1998)CCI) عضو هیأت علمی پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

١. سیدمصطفی محقق داماد: حقوق بشر دوستانه بین المللی؛ رهیافت اسلامی، تهران، ص ٢٢ و ٦٣.

eeSnoitnevnoC(I)rofehTnoitaroilemAfoehTnoitidnoCfoehTdednuoW :٢.

dnakciSnidemrAsecroFniehT

aveneGdleif21tsuguA

trA9491;52locotorP

(I)lanoitiddAotehTaveneGsnoitnevnoCfo21tsuguA9491dnagnitaleRotehTsnoitcetorPf

osmitciVfolanoitanretnIdemrA

stcilmfnoC8enuJ

trA1997

eeS-naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD:٣٩٨-..

yramotsuCkceB lanoitanretnInairatinamuH

waL emuloV

P1.

lanoitiddAlocotorP٤١٨..

(trA(I

naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD-øλ..

pOkceB.

PtiC.

aveneGnoitnevnoC<sup>12</sup>λ..

trA(I);42noitnevnoC(II)rofehTnoitaroilemAfoehT noitnevnoCfo

kciSdednuoWdnadekcerwpihSsrebmeMfodemrAsecroFta

aveneGaeS21tsuguA

trA9491;03lanoitiddAlocotorP

(trA(I

aveneGnoitnevnoC<sup>13</sup>222-..

trA(I);62aveneGnoitnevnoC

(trA(II

aveneGnoitnevnoC<sup>14</sup>333-..

trA(I);63lanoitiddAlocotorP

(trA(I

aveneGnoitnevnoC<sup>15</sup>λ..

(trA(I

traP3;2lanoitiddAlocotorP

(trA(I

aveneGnoitnevnoC<sup>16</sup>λ..

(trA/I

۱۲۵۱. در این باره نگاه کنید به: والتر رابوس: «حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی شکسته‌ها»، ترجمه نادر ساعد، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

lanoitiddAlocotorP۲۱.

(trA/I

traP341dnatrA

traP44

۱۷۳. در این باره نگاه کنید: آنتونی پ. و. راجرز و پل مالرب: قواعد کاربردی حقوق مخصصات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ص ۴۸ و ۴۹؛ و نات ایپسن: «رزمندگان و غیررزمندگان»، ترجمه کتایون حسین‌نژاد، ص ۱۰۷؛ همچنین بنگرید به:

naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD-

pOkceB.

PtiC.

dibl.۴۱۵۱..

P1195.. برای مفهوم «شرکت مستقیم در درگیری‌ها» تعریف دقیقی وجود ندارد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر بیان کرده که عبارت «شرکت مستقیم در درگیری‌ها»، معمولاً به اعمالی گفته می‌شود که به موجب ماهیت یا هدف عمل، با قصد آسیب رسانیدن به افراد و منابع دشمن ارتکاب می‌یابند. در این باره نگاه کنید به:

naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD-

pOkceB.

PtiC.

۲۲. البته برخی از نویسندگان، معیارهایی برای «عدم شرکت مستقیم در تخاصم‌ها» بیان کرده‌اند. نک: آنتونی پ. و. راجرز و پل مالرب: پیشین، ص ۴۸.

۱۶. ر. ک: نات ایپسن: پیشین، ص ۱۰۳ و ۱۰۴. برای اطلاعات بیش تر در این باره نگاه کنید به: آنتونی پ. و. راجرز و پل مالرب: پیشین، ص ۴۸.

۱۷. بند ۱ ماده ۵۰ پروتکل الحاقی اول، اشعار می دارد که: «یک غیرنظامی، شخصی است که در زمره هیچ یک از طبقه بندی های مربوط به اشخاص اشاره شده در بندهای الف (۶) (۳) (۲) (۱) از ماده ۴ کنوانسیون سوم و ماده ۴۳ پروتکل حاضر نباشد. در صورت تردید درباره غیرنظامی بودن یک شخص، آن شخص، غیرنظامی محسوب می شود.» برای اطلاعات بیش تر در این باره نگاه کنید به:

naeJeiraMstreackneHdnaesiuoL-dlawsoD-

pOkceB.

-.PPTiC118208. بند ۲ ماده ۴۳ مقرر می دارد: «اعضای نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه (به جز کارکنان بهداری و کارکنان مذهبی که مشمول ماده ۳۳ کنوانسیون سوم می گردند) رزمنده به شمار می آیند.»

۱۹. ر. ک: هانس پیترگاسه: «حمایت از جمعیت غیرنظامی»، ترجمه هاجر سیاه رستمی، ص ۲۸۱.

۲۰. «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.»

۲۱. محمد بن مکرم ابن منظور: لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۴؛ و اسماعیل بن حماد الجوهری: الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۹۸.

۲۲. حسین بن محمد الراغب الاصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۶؛ و محمد بن مکرم ابن منظور: پیشین.

۲۳. احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی: المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۴۹۰؛ و لويس معلوف: المنجد فی اللغة، ص ۶۰۸.

۲۴. محمد بن مکرم ابن منظور: پیشین.

۲۵. فخرالدین الطریحی: مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۵۹؛ اسماعیل بن حماد الجوهری: پیشین.

۲۶. ابراهیم انیس و آخرون: المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۷۱۵.



۲۷. نگاه کنید: ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۱، ص ۳۶۸؛ السید محمدحسین الطباطبائی: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۲۶۱؛ السید محمدحسین فضل الله: تفسیر من وحی القرآن، ج ۴، ص ۷۴؛ همچنین نگاه کنید به: ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲۸. ابوالفتوح الرازی: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۱.

۲۹. محمد حمیدالله: سلوک بین المللی دولت اسلامی، ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، ص ۲۳۲.

۳۰. برای نمونه نک: العلامة الحلی: تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۶۵۶۴؛ الشهيد الثاني: الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۴۰۵؛ محمدحسن النجفی: جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، ص ۷۵.

۳۱. در این باره می توان به عدم نهی پیامبر(ص) از کشتن «درید بن الصمّه» در جنگ خیبر اشاره کرد. وی پیرمردی صد و پنجاه ساله و فرتوت بود. کفار برای استفاده از تاکتیک های جنگی اش، وی را با خود به صحنه نبرد آورده بودند و در جنگ کشته شد. وقتی خبر به پیامبر(ص) رسید، از کشته شدن او نهی نکردند. (محمدحسن النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۱، ص ۲۵) البته برخی از صاحب نظران این فرد را صد و شصت ساله معرفی کرده اند که در جنگ حنین هم کشته شده است. نک: السید جعفر مرتضی العاملی: الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲۴، صص ۳۲۲۳۲۰؛ همچنین نگاه کنید: محمد بن عمر الواقدی، المغازی، ج ۳، صص ۸۷۸۸۶.

۳۲. نگاه کنید به: سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، ص ۹۰.

۳۳. «المحاربون، هم کل من نصب نفسه للقتال بطریق مباشر او غیرمباشر.» نگاه کنید به: السید محمدحسین فضل الله: کتاب الجهاد، ص ۲۶۴.

۳۴. «فاذا قاتلوا او حضروا بنیة القتال کان لهم سهم المقاتل.» السید محمدحسن الترحینی العاملی، الزبده الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۳، ص ۶۶۲.

۳۵. «ای غیر المقاتلین ممن حضر الحرب لا للقتال کمن حضرها لصفة خاصة او حزمه و کذا اطفالهم لانصراف الاخبار المتقدمة الی خصوص المقاتلین بمعنی حضر الحرب للقتال و ان لم یقاتل.» (همان)

۳۶. «یقسم الفاضل بین المقاتله و من حضر القتال لیقاتل و ان لم یقاتل، حتی الطفل الذکر من اولاد المقاتلین دون غیرهم ممن حضر لصنعه او حرفه کالبيطار، و البقال، و السائس و الحافظ اذا لم یقاتلوا.» الشهيد الثاني: پیشین، ص ۴۰۵؛ همچنین در این باره نگاه کنید به: محمد حسن النجفی: پیشین، ص ۱۹۹.

۳۷. شمس الدین السرخسی: شرح السیر الکبیر، ج ۴، ص ۷۸. به نقل از: محمد حمیدالله: پیشین، ص ۲۳۲.

۳۸. وهبه الزحيلي: آثار الحرب في الفقه الاسلامي، ص ۴۹۷.

yrneH۹۳.

40.tnanu. خاطرات هانری دونان به فارسی ترجمه شده است. نگاه کنید: هانری دونان: خاطره سولفرینو؛ روایت غربت کرامت بشری در درگیری‌های مسلحانه.

۴۱. در این باره نگاه کنید به: کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، ص ۲۸ و ۲۹.

۴۲. برای نمونه می‌توان به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۲۹ و ۱۹۰۶، کنوانسیون‌های اول، دوم و چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی اشاره کرد.

۳۴-naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD.

pOkceB.

PPtiC.

۸۰۸۴۴۴-..

Pdibl.

۴۷۹۵. در این باره نگاه کنید به: سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، صص ۶۰۲۹.

۴۶. ر. ک: جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مشخصات مسلحانه بین‌المللی، ص ۱۵۴.

۷۴-eeS-naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD.

pOkceB.

PtiC.

eeS:۸۴۳..

PPdibl.

۳۴۴۹- «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تجاوز نکنید، به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.»

۵۰. ناصر مکارم شیرازی و همکاران: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۰.

۵۱. سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، ص ۱۷۴.

۵۲. ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی: تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۹. برای ملاحظه روایات دیگری در این باره نگاه کنید به: علی الاحمدی المیانجی، الاسیر فی الاسلام، ص ۹۰ به بعد.

۵۳. محمد بن یعقوب الكلینی: الکافی، ج ۵، ص ۳۰؛ ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی: پیشین، ص ۱۲۳.

۵۴. «النهی عن إلقاءه فی البلاد لاستلزامه غالباً قتل الأطفال و النساء و الشيوخ و من فیها من المسلمین و نحوهم ممن یحرم قتلهم، أما إذا فرض اختصاص قتله بالكفار الذین یجوز قتلهم بأنواع القتل فلا.» محمدحسن النجفی، پیشین، ص ۶۸؛ «و اما إلقاء السم فی مائهم فإن علم أنه لا یشربه النساء و الصبیان و المجانین و الشیخ الفانی و اسراء المسلمین الذین یكونون عندهم یجوز ذلك ایضاً و إلا فلا یجوز.» السید عبدالاعلی السبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۵، ص ۱۲۴.

۵۵. نگاه کنید به: السیدجعفر مرتضی‌العاملی: پیشین، ص ۳۲۱.

۵۶. «ما بال اقوام بلغ بهم القتل حتی بلغ الذریة.» (نقل از همان، ص ۳۲۶)

۵۷. السیدمحمدحسین فضل الله: پیشین، ص ۲۶۴.

۵۸. محمدحسن النجفی: پیشین، ص ۷۳.

۵۹. همان.

۶۰. همان، ص ۷۵.

۶۱. نقل از: سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، ص ۱۷۴.

۶۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، پیشین، ص ۱۷؛ همچنین نگاه کنید به: ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۶۸.

۶۳. السید محمدحسین الطباطبائی: پیشین، ص ۶۲.

۶۴. محمد بن علی بن شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۱۷۷؛ همچنین نگاه کنید به: سید امیر ابوالفتح حسینی جرجانی: آیات الاحکام، ج ۲، ص ۷.

۶۵. ملامحسن فیض کاشانی: تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۲۸؛ همچنین نگاه کنید به: محمد بن محمدرضا المشهدی القمی: کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۲۶۳؛ و ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۴۳.

۶۶. عبدالله جوادی آملی: تسنیم، ج ۹، ص ۵۷۷ و ۵۷۸.

۶۷. همان.

۶۸. برای نمونه نگاه کنید به: فاضل مقداد: کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۴۴.

۶۹. سید قطب: فی ظلال القرآن، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۸۸.

۷۰. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، پیشین، ص ۱۹ و ۲۰.

آمار